

پیوند سیاست با شعر عصر مشروطه

تألیف:

دکتر عبدالمطلب عبدالله

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی



سرشناسه: عبدالله، عبدالمطلب، ۱۳۰۰
عنوان و نام پدیدآور: پیوند سیاست با شعر عصر مشروطه
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۱۲۷ ص.
فروست: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی: ۳۳۶.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۱۷-۱۵۴-۵
وضعیت فهرست نویسی: فیبای مختصر
یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir>
قابل دسترسی است.

صفحه عنوان به انگلیسی: Abdolmotaieb Abdollah. The relationship between politics and poetry in constitutional(Mashruteh)Era.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

یادداشت: نمایه.

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۹۹۵۵۵

یونان سیاست با نفع برای هر مشروطه

نالیف
دکتر عبدالمصعب ع. اله

زیر نظر معاونت پژوهشی دانشگاه

شابک: ۵-۱۵۴-۲۱۷-۹۶۴-۱۷۸

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی

ویراستار: دکتر علی شریفی شمارگان: ۵۰۰ ناظر فنی: رضا دنیوی

طراح جلد: حمیدرضا زرکش صفحه آرا: لیلا رشیدی

سازمان مرکزی: تهران، دهکده المپیک، تقاطع شهید همت، جنب پارک فرهنگ

صندوق پستی: ۱۵۸۱۵/۳۴۸۷ چاپ اول ۱۳۹۴ قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	ب
مقدمه.....	ت
فصل اول: شعر مشروطه.....	۱
ویژگی‌های ادبی این دوره.....	۱۰
۱) سادگی بیان و دوری از صنایع ادبی در نظم و نثر.....	۱۰
۲) کاربرد واژه‌های عامیانه و کچه بازاری.....	۱۰
۳) آمیختگی واژه‌های قدیم و جدید.....	۱۱
۴) طرح نو در قالب‌های قدیم شعری.....	۱۲
۵) کاربرد ضرب‌المثل و کنایه در شعر یا نثر.....	۱۲
۶) هنر فدای سیاست.....	۱۳
۷) رساندن منظور به واسطه طنز و هوس.....	۱۳
شعرای این دوره.....	۱۳
۱) ملک‌الشعرا بهار.....	۱۴
۲) ادیب‌الممالک فراهانی.....	۱۵
۳) میرزاده عشقی.....	۱۶
۴) سید اشرف‌الدین گیلانی.....	۱۷
۵) فرخی یزدی.....	۱۸
۶) عارف قزوینی.....	۱۹
۷) ایرج میرزا.....	۲۱
۸) ابوالقاسم لاهوتی.....	۲۲
فصل دوم: اندیشه ترقی.....	۲۷
مفهوم بیداری شعر مشروطه.....	۳۰
فصل سوم: اندیشه مشروطه.....	۳۵
شکل‌گیری نهضت مشروطیت.....	۳۷

۴۴	مجلس مشروطه
۴۷	مشروطه از دیدگاه شاعران این دوره
۴۷	ملک الشعرای بهار و مشروطه
۴۹	سیداشرف‌الدین حسینی و مشروطه
۵۱	سیداشرف و مجلس مشروطه
۵۲	اصول حکومت مشروطه در اندیشه سیداشرف‌الدین حسینی
۵۳	سیداشرف و شکست مشروطه
۵۴	میرزاده عتی و مشروطه
۵۶	ابوالقاسم عارف قزوینی و مشروطه
۵۷	انقلاب در اندیشه عارف قزوینی
۵۸	فرخی یزدی و مشروطه
۶۰	فرخی یزدی و شکست مشروطه
۶۱	شعر کارگری
۶۵	جمهوری خواهی
۶۷	فصل چهارم: اندیشه آزادی
۷۳	آزادی و شعر مشروطه
۷۷	فصل پنجم: اندیشه قانون
۸۵	فصل ششم: اندیشه وطن خواهی
۹۴	بیگانه ستیزی
۹۹	فصل هفتم: زن و حجاب در اندیشه و شعر مشروطه
۱۰۴	حجاب در شعر برخی شعرای عصر مشروطه
۱۰۴	ملک الشعرای بهار
۱۰۵	ابوالقاسم لاهوتی
۱۰۶	سیداشرف‌الدین حسینی (نسیم شمال)
۱۱۱	نتیجه گیری
۱۱۵	منابع

پیشگفتار

در تاریخ معاصر ایران دو انقلاب بزرگ مشروطه و انقلاب اسلامی در کمتر از صد سال تأثیری شگرف بر فرهنگ و ادب ایران بر جای نهاد. انقلاب مشروطه برای اولین بار توانست نظام ارزشی و ساختار اجتماعی ایران را دگرگون سازد. این تغییر در نظام ارزشی اول بار در شعر و ادب فارسی تجلی یافت، تا جایی که روند شعر فارسی را به مسیر جدیدی سوق داد و نقطه آغازی برای «شعر سیاسی» در ادبیات شد و به دورانی پیوند خورد که بدین «عصر بیداری» گفته می‌شود. این تغییر و دگرگونی فکری، زاده تغییراتی بود که در انباشته صاحب‌نظران و متفکران و در شئون اجتماعی - سیاسی ایران روی داده بود. در عصر مشروطه، همراه با تحول شیوه نثرنویسی، در درون مایه شعر فارسی نیز دگرگونی ژرف و عمیقی صورت گرفت. شعر و نثر این دوره توانست با افکار مشروطه‌خواهی همراه شود. جریان نثر در شعر فارسی غالباً به همت شاعرانی که خود از پیشگامان نهضت بودند پی گرفتند و ادبیات و به‌ویژه شعر در خدمت انقلاب و مسائل اجتماعی و برانگیختن مردم قرار گرفت. در این روی ادبیات مشروطه را شاید بتوان مقدمه‌ای بر رئالیسم اجتماعی - سیاسی در تاریخ ادبیات ایران دانست.

پرداختن به مفاهیم سیاسی و اجتماعی نزد صاحب‌نظران و متفکران عصر مشروطه و تجلی آن در شعر شاعران این عصر از اهداف این تحقیق است.

مقدمه

انقلاب مشروطه ایران نقطه عطف تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران است که تأثیر عمیقی بر فکر و اندیشه ایرانیان گذاشت. بدیهی است که از ویژگی‌های انقلاب‌های اجتماعی تغییر در ساختارها و ارزش‌های یک جامعه است؛ به طوری که برخی انقلاب‌های اجتماعی و ادبی را همزا و توأمان می‌دانند. در تاریخ معاصر ایران دو انقلاب بزرگ مشروطه و انقلاب اسلامی. در کمتر از صد سال تأثیر شگرفی بر فرهنگ و ادب ایران بر جای نهاد. انقلاب مشروطه برای اولین بار توانست نظام ارزشی و ساختار اجتماعی ایران را دگرگون سازد. این تغییر در نظام ارزشی اول بار در شعر و ادب فارسی تجلی یافت، تا جایی که روند شعر فارسی را به مسیر جدیدی سوق داد و نقطه آغازی برای «شعر سیاسی» در ادبیات شد و به دورانی پیوند خورد که «عصر بیداری» گفته می‌شود. عصر بیداری وضعیت سیاسی - اجتماعی جامعه در آثار ادبی تجلی یافت. می‌توان گفت شعر این دوره، آینه و سندی از عصر خویش گشت.

تحول شعر و ادب عصر بیداری در تاریخ ادبیات رسی تا آن روز بی سابقه بود. این تغییر و دگرگونی فکری، زاده تغییراتی بود که در شتاب اجتماعی - سیاسی ایران روی داده بود. در این دوره، شعر و ادبیات با رویکردی مردمی متحول شد و از نظر درون‌مایه شعری نیز روزگار مدیحه‌سرایی‌های درباری و توصیفات طبیعی و عاشقانه‌سازیه‌ها نبود. بنابراین، ادبیات این دوره دیگر نه تنها به‌عنوان پدیده‌ای تجملی و منحصر به گروه خاص، بلکه چون امری عمومی و متعلق به توده مردم جامعه مورد توجه قرار گرفت. به‌جای ارتباط مستقیم با دربار و گروه‌های بالای اجتماع، از طریق شعر و نثر و مطبوعات با محتوای سیاسی و انقلابی با مردم و جامعه پیوند یافت. تغییرات به‌وجود آمده منجر به انقلابی ادبی در عرصه‌های شعر و نثر شد؛ زیرا در طی هزار سال از رودکی تا بهار رویداد مهمی اتفاق نیفتاد که همچون مشروطه بتواند شعر و ادب را تحت تأثیر قرار دهد. در عصر مشروطه همراه با تحولات در حوزه نثر، در درون مایه شعر فارسی نیز دگرگونی‌های عمیق و

چشمگیری صورت گرفت. شعر و نثر این دوره توانست با افکار مشروطه‌خواهی همراه شود، هر چند که در شکل و قالب و ساختار شعر، اصولاً تغییر مهمی روی نداد.

جنبش اصلاحاتی و اندیشه ترقی در ایران که از سوی عباس میرزا شروع شد و با قائم مقام فراهانی، امیرکبیر، سپهسالار و دیگران ادامه یافت، به رغم آن که نتوانست بنیادهای نظم کهن اجتماعی و حکومتی را به‌تمامی براندازد، اما در طول چند دهه و نهایتاً در قالب انقلاب مشروطیت نظم نوینی در عرصه‌های حیات ایرانیان ایجاد کرد. جنبش مشروطه‌خواهی، صرف‌نظر از اهداف ضداستبدادی و قانون‌گرایانه، متأثر از ادبیات اروپا بود که به‌تأثیر نقد جامعه، بلکه نقد و بازنگری ادبیات گذشته را نیز در دستور کار خود قرار داد.

از میان همه عوامل مؤثر در جنبش نواندیشی، ادبیات با طرح مسائل اجتماعی و تبیین نگرش‌های جدید و مسائل‌های مشروع و قانونی مردم و انتقاد از استبداد و افشاء خرافات نه تنها نقشی استثنایی در تحریک و سرکردن جامعه به‌عهده داشت، بلکه خود نیز از این رهگذر در معرض دگرگونی قرار گرفت.

در جریان نهضت مشروطه‌خواهی، رویویی با استبداد قاجار به رویارویی با استبداد زبان هم کشیده شد. زبان، اعم از نثر و شعر، که بیشتر مخاطبانش شاه و درباریان بودند، به میان مردم آمده و به‌عنوان ابزاری برای تهییج و روشنگری به‌کار گرفته شد. اما ادبیات، و به‌طور ویژه شعر، برای آن که مخاطبانش را در میان مردم پیدا کند، زبان عامه فهم برگزید و خود را با مبارزه مشروطه‌خواهی همراه ساخت.

گفتنی است که شعر مشروطه به‌عنوان ادبیاتی متعهد صرفاً سیاسی نبوده، بلکه در پی آن بود که تمامی ابعاد زندگی و مشکلات اجتماعی را مورد توجه قرار دهد. به‌عنوان مثال، نسیم شمال به بیان فقر فرهنگی - اجتماعی مردم و میرزاده عشقی به مسائل نظام سیاسی و حاکمیت قانون پرداخته‌اند و ابوالقاسم لاهوتی و فرخی یزدی نگاهی مرامی و مکتبی داشته‌اند؛ و در مجموع همه آن‌ها در پی اصلاح نظام سیاسی و اجتماعی بوده‌اند.

یادآوری این نکته ضروری است که شعر مشروطه در قالب وزن و قافیه نتوانست تمامی جریان‌های اجتماعی و فرهنگی عصر خود را بازنمایی کند و بخشی از این رسالت

در نثر و مطبوعات و نمایشنامه تجلی یافت که در این تحقیق فقط از نگاه شعر به پیوند ادب و مسائل سیاسی - اجتماعی می‌پردازیم.

جریان تحول در شعر فارسی، که چند دهه قبل از انقلاب مشروطه آغاز شده بود، غالباً به همت شاعرانی که خود از پیشگامان نهضت بودند پی گرفته می‌شود. برای این منظور ادبیات، و به‌ویژه شعر، می‌بایست در خدمت انقلاب و مسائل انقلاب و برانگیختن مردم باشد. از این رو، ادبیات مشروطه را شاید بتوان مقدمه‌ای بر رئالیسم اجتماعی - سیاسی در تاریخ ادبیات ایران دانست.

پردازش به مفاهیم سیاسی و اجتماعی در شعر شاعران مشروطه از نگاه جامعه‌شناسانه از اهداف این تحقیق است؛ زیرا اکنون اغلب کتب به موضوع شعر مشروطه از نگاه تاریخی و یا نگاهی ادبی پرداخته و منظار شاعران را از کاربرد الفاظ سیاسی و اجتماعی را در شعر آن دوره بررسی نکرده‌اند. مهم این مفاهیم سیاسی - اجتماعی شعر دوره بیداری عبارت‌اند از:

۱. وطن
۲. آزادی
۳. قانون
۴. مشروطه
۵. بیگانه‌ستیزی
۶. دموکراسی و جمهوری خواهی (حاکمیت مردم)
۷. دسوت
۸. استقلال طلبی
۹. اتحاد و یکپارچگی
۱۰. حقوق زنان
۱۱. حجاب
۱۲. بیداری
۱۳. مجلس و کابینه
۱۴. عدالت و انصاف در جامعه و نفی بی‌عدالتی

در این تحقیق تلاش بر این است که به این پرسش‌ها پاسخ داده شود: شاعران عصر مشروطه چه نگرشی به مفاهیم سیاسی و اجتماعی در اشعار خود داشتند؟ مهم‌ترین مفاهیم سیاسی و اجتماعی به کار برده شده توسط شاعران عصر مشروطه کدامند؟ شاعران عصر مشروطه تحت تأثیر کدام جریان‌های فکری بوده‌اند و تجلی این جریان‌ها در شعر این شاعران به چه صورت است؟ از میان آثار این دوره، آثار این شاعران مورد بررسی قرار گرفته است: سید اشرف الدین حسینی (نسیم شمال)؛ سید محمد رضا کردستانی مشهور به میرزاده عشقی؛ عارف قزوینی؛ ابوالقاسم لاهوتی؛ محمد فرخی یزدی؛ ادیب الممالک فراهانی؛ ایرج میرزا؛ ملک الشعرای بهار.